

اهمیت عامل انرژی در درگیری طاووس؛ تحلیل یا واقعیت - برهان حشمتی

تأثیر عامل نفت و گاز در درگیری اخیر در طاووس، صرفاً در حد تحلیل و تبلیغات جمهوری آذربایجان می‌گنجد و واقعیت چندانی ندارد.



آران نیوز- دریی تبادل آتش نسبتاً سنگین توپخانه ای میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در منطقه طاووس (مناطق مرزی طاووز جمهوری آذربایجان و طاووش ارمنستان)، مقامات و رسانه های باکو تبلیغات گسترده ای را در خصوص تأثیر عامل انرژی بر این درگیری به راه انداختند تا حساسیت دولت های غربی را به نفع جمهوری آذربایجان و به ضرر ارمنستان جلب کنند. در این تبلیغات مشخصاً تأکید شد که عبور خطوط لوله نفت و گاز "باکو"؛ تفلیس؛ جیحان" ، "باکو"؛ سوپسا" و "دهلیز جنوبی گاز" و نیز "خط آهن باکو"؛ تفلیس؛ قارص" و جاده "باکو"؛ تفلیس؛ از نزدیکی محل درگیری اخیر، مهمترین عامل تأثیرگذار بر این درگیری بوده است. رسانه ها و مقامات باکو تأکید کردند که شریان اقتصادی جمهوری آذربایجان از منطقه طاووس عبور می‌کند و ارتش ارمنستان در صدد بوده است که ارتفاعات مشرف بر این شریان انرژی و تجاری جمهوری آذربایجان را به تصرف خود درآورد. کاملاً مشخص است که این تبلیغات برای افزایش حساسیت دولت های غربی و بخصوص متقاعد کردن آمریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی به موضع گیری در حمایت از جمهوری آذربایجان و محکوم کردن ارمنستان، طراحی شده است. اما، برغم انتظار مقامات باکو، غربی ها به موضع گیری های خنثی و بی ارزش پرداختند و صهیونیست ها نیز اساساً به شیوه موزیانه همیشگی خود سکوت را ترجیح دادند.

چرا غرب و رژیم صهیونیستی برغم منتفع شدن از شریان انرژی جمهوری آذربایجان، در قبال تهدید شدن این شریان انرژی هیچ موضع گیری با اهمیتی نکرد؟ آیا تحلیل باکو مبنی بر اهمیت عامل انرژی در این درگیری بی اساس بوده است؟ آیا میزان نفتی که از جمهوری آذربایجان به رژیم صهیونیستی و اروپا می‌رود و همچنین میزان گازی که قرار است از جمهوری آذربایجان به اروپا منتقل شود، در تأمین امنیت انرژی رژیم صهیونیستی و اروپا اهمیت چندانی ندارد و قابل جایگزینی است؟

جمهوری آذربایجان روزانه حدود 800 هزار تا یک میلیون بشکه نفت از طریق خط لوله باکو؛ جیحان به رژیم صهیونیستی و ترکیه و اروپا می‌فرستد. در آینده نسبتاً نزدیک، با شروع بهره برداری از خط لوله انتقال گاز به اروپا (خط لوله تاپی که ادامه خط لوله تاناپ و خط لوله دهلیز جنوبی گاز خواهد بود)، جمهوری آذربایجان قادر خواهد بود سالانه 16 میلیارد مترمکعب گاز به ترکیه و اروپا منتقل کند و در سال های بعد این میزان تا 31 میلیارد متر مکعب نیز قابل افزایش خواهد بود.

واقعیت این است که این ظرفیت های صدور نفت و گاز جمهوری آذربایجان به اروپا در آن حدی نیست که دولت های غربی بخاطر آن رویکردهای ژئوپلیتیک و موضع گیری های سیاسی سنتی و ریشه دار خود را تغییر دهند و در منازعه کشور مسیحی ارمنستان، به نفع جمهوری آذربایجان که کشوری مسلمان محسوب می‌شود، موضع بگیرند. اگر، واقعا هم همانگونه در تبلیغات باکو وانمود می‌شود، عامل نفت و گاز در درگیری اخیر در طاووس تأثیر داشت، باز هم با توجه به آمار موجود از صدور نفت جمهوری آذربایجان و ظرفیت صدور گاز این کشور، این تأثیر به درجه ای نیست که غربی ها و صهیونیست ها بخاطر آن به نفع جمهوری آذربایجان موضع گیری کنند. اهمیت عامل عبور شریان های نفت و گاز جمهوری آذربایجان از این منطقه، صرفاً برای خود دولت جمهوری آذربایجان اهمیت دارد و غربی ها و صهیونیست ها نیز می‌دانند که باکو به هر حال و صرف نظر از محتوای مواضع سیاسی غرب و رژیم صهیونیستی، خود را ملزم به فروش نفت و گاز به مشتری های اروپایی و صهیونیست کرده است و این مشتری ها لزومی نمی‌بینند که بخاطر دریافت نفت و گاز جمهوری آذربایجان، امتیازی به باکو بدهند. بنابراین، باید توجه داشت که اساساً تأثیر عامل نفت و گاز در درگیری اخیر در طاووس، صرفاً در حد تحلیل و تبلیغات جمهوری آذربایجان می‌گنجد و واقعیت چندانی ندارد. زیرا، در صحنه عمل نیز، اساساً عملیات زمینی برای پیشروی و تصرف اراضی و ارتفاعات نه از جانب ارمنستان و نه از جانب جمهوری آذربایجان صورت نگرفت. درگیری اخیر در طاووس صرفاً تبادل نسبتاً سنگین آتش توپخانه ارتش های جمهوری آذربایجان و ارمنستان بود که فقط بخاطر اصابت دقیق گلوله های توپخانه ارمنستان به محل حضور یک ژنرال ارتش جمهوری آذربایجان و جان باختن وی و چند درجه دار دیگر جمهوری آذربایجان و واکنش های اجتماعی به آن، اهمیتی مضاعف یافت و خصومت میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان را تشدید کرد تا شاید زمینه ای برای درگیری های بعدی بشود.